

## بازپژوهی آغازین ماه سال قمری بر پایه فرهنگ قرآنی - حدیثی و منابع تاریخی

محسن فاضل بخشایش<sup>۱</sup>

کامران اویسی<sup>۲</sup>

محمد هادی منصوری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹، صفحه ۹۰ تا ۱۰۶ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

سال هجری قمری بر اساس هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه است. در این که شروع سال قمری، از چه ماهی است دو دیدگاه مشهور وجود دارد که یکی ماه محرم و دیگری ماه ربیع الاول را ماه نخست می‌داند. براساس بررسی و تحقیق انجام شده، هر دو دیدگاه با تمسک به گزارشات تاریخی در پی اثبات عقیده خود هستند. اما به نظر می‌رسد، بحث تاریخی به خاطر گزارشات متناقض و اشکالاتی که در هر دو دیدگاه وجود دارد، نمی‌تواند در تعیین اولین ماه قمری مفید یقین و حتی اطمینان باشد. در این نوشتار با رویکرد توصیفی تحلیلی، با نگاهی نو به مسأله و تکیه بر فرهنگ اسلامی مبتنی بر قرآن و روایات و نیز ارائه دلایل متفاوت همچون امضاء تقویم اقوام عرب از سوی پیامبر(ص) و قاعده لطف، اثبات شده است که واضع تاریخ هجری، نبی اکرم(ص) بوده و محرم را به عنوان اولین ماه تاریخ هجری امضا کرده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** آغازین ماه سال قمری، تاریخ هجری، فرهنگ، ماه محرم، ماه ربیع الاول، نسیء.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدرسی قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران:

mohsenfazel1373@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: oveysi@maaref.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: mansouri@maaref.ac.ir

## درآمد

هبوط آدم(ع)، طوفان نوح(ع)، آتش ابراهیم(ع)، بخت النصر، اسکندر یونانی، یزدگرد و میلاد مسیح(ع) از مواردی هستند که انسان از آن زمان که پا به عرصه هستی گذارده، آن‌ها را به عنوان مبدئی برای تاریخ خود لحاظ کرده است. کلمه تاریخ، برگردان معنایی کلمه «ماه روز» به معنای محاسبه ماه‌ها و روزها می‌باشد(سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۵) و از دو کلمه «پاریخ» به معنای قمر و «تدخ» به معنای شهر گرفته شده که به معنای شناسایی ماه قمری می‌باشد(سیوطی، ۱۴۳۰ق، ۱۴). در طول دورانی که بر انسان در این کره خاکی گذشته، هر قومی تاریخ مخصوص به خود را داشته است. طبق گفته بیرونی، مبدأ تاریخ در بین اقوام مختلف، بعثت یک پیامبر، جلوس یک پادشاه، طوفان، سیل، زلزله و حوادث مهم دیگر است(بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۱۹). هر ملتی برای ثبت وقایع و زمان وقوع آن‌ها و همچنین گزارش آن به نسل‌های بعدی نیاز به یک تاریخ مخصوص دارد. مسلمانان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و هجرت نبی اکرم(ص) از مکه به یثرب را مبدأ تاریخ خود قرار داده‌اند. این در حالی است که براساس کتیبه‌های مربوط به تقویم باستانی جنوب عربستان، ایشان از تقویم شمسی محور استفاده می‌کردند، اما حدود دویست سال پیش از هجرت رسول خدا(ص)، بیشتر تقویم‌های موجود در عربستان، به تقویم قمری تغییر یافته‌بودند(Bonner, 2011, 18). از این رو تغییر در سبک و شیوه تقویم در عربستان پیش از اسلام، پیشینه داشته و حتی تغییر روزهای هفته نیز به شماره عدد، طبق تعداد روزها و مرحله‌های پیدایش جهان توسط خداوند، در اسلام انجام گرفته است. به گونه‌ای که نام روزهای هفته در دوران جاهلیت به ترتیب از یکشنبه تا شنبه عبارت بود از: الْأَوَّلُ، الْاُثَوْنُ / الْاُثَوْنُ / الْاُوْهْدُ، الْجَبَّارُ، الدِّبَارُ / الدِّبَارُ، الْمُؤْنَسُ، الْعَرُوبَةُ، الشِّبَارُ(بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۷۳). نام ماه‌های قمری نیز به ترتیب از محرم تا آخر سال عبارت بود از: ناطق، نفیل، طلیق، ناجر، أسخ، أنتج، حلک، کسح، زاهر، نوط، خوف، بغش(ابن حانک، ۱۴۲۵ق، ۱۱۳/۱). از طرفی از جهت سیاسی، نوع تقویم، در تعیین مناسبات حکومتی، نقشی تعیین کننده دارد. این مسأله در تاریخ معاصر ایران نیز به وضوح نمایان است (مکی، ۱۳۶۲ش، ۲۸۵/۶). از طرف دیگر، آئین اسلام نسبت به برخی از رسوم عرب در گاه‌شماری، همچون مسأله نسیء، اعلام موضع کرده و بر بطلان آن تاکید نموده‌است. این نکات، برخی از محققان را به اندیشه در موضع اسلام در خصوص تقویم مطلوب و صحت تقویم حاضر، سوق داده‌است.

## طرح مسأله

غالب محققان اسلامی، بنابر آنچه که در اسناد تاریخی آمده، بر این عقیده‌اند که خلیفه دوم، شانزده سال پس از هجرت نبی اکرم(ص) از مکه به مدینه، این واقعه را به عنوان مبدئی برای تاریخ

ملت مسلمان قرار داد. او در شورایی که برای این مهم تشکیل داده بود، به این نتیجه رسید که ماه محرم، آغازین ماه تقویم هجری باشد (برای نمونه، رک: ابن کثیر، ۱۴۳۱ق، ۷/۱۸۲؛ سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۳؛). این گزارشات، تعجب برخی از اندیشمندان اسلامی همچون سید جعفر مرتضی عاملی را برانگیخته و آن‌ها را به سمت بازپژوهی و مخالفت با نظریه مشهور سوق داده است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴/۱۷۸). وی با بیان اینکه واضع تاریخ هجری، شخص پیامبر (ص) است، ماه ربیع الاول را که مصادف با ورود ایشان به مدینه است نخستین ماه سال در تاریخ هجری می‌داند. تکیه هر دو دیدگاه، بر مستندات تاریخی است و این در حالی است که این گزارشات، دچار تناقضات آشکاری بوده و مفید اطمینان نمی‌باشند. ضمن این‌که هیچ یک از ایشان، دلیلی بر تقدم گزارش مورد استناد خود بر گزارشات گروه رقیب، ارائه نمی‌کنند. از طرف دیگر، روایاتی وجود دارد مبنی بر این‌که ماه رمضان، نخستین ماه سال قمری است. نوشتار حاضر، ضمن بررسی مستندات تاریخی هر دو دیدگاه، آن‌ها را مفید اطمینان ندانسته و با نگاهی نو و تکیه بر آیات و روایات، در پی یافتن موضع دین اسلام در قبال این مسأله است. بدین منظور، مقاله پیش رو در چهار بخش، این مهم را پی‌گیری می‌کند. در بخش اول و دوم، دو دیدگاه اصلی و در بخش سوم، نظر اندیشمندان اسلامی در قبال آغازین ماه بودن ماه رمضان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش پایانی نیز نظریه منتخب ارائه می‌شود.

#### ۱- خلیفه دوم پایه گذار محرم به عنوان نخستین ماه سال قمری

بیشتر مورخان بر این عقیده‌اند که نخستین کسی که هجرت رسول خدا (ص) را مبدأ تاریخ و محرم را اولین ماه سال قرار داد، خلیفه دوم بود که به پیشنهاد حضرت علی (ع) این کار را انجام داد (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴/۱۷۴).

ابن کثیر از واقعی نقل می‌کند: در ربیع الاول سال شانزدهم سندی برای خلیفه دوم فرستاده شد، مبنی بر بدهی شخصی به دیگری که موعد پرداخت آن ماه شعبان بود. برای خلیفه دوم این شبهه پیش آمد که مراد از شعبان کدام شعبان است؟ آیا شعبان امسال یا سال قبل و یا سال بعد؟ آن‌گاه صحابه رسول خدا (ص) را جمع کرد و با طرح این شبهه از ایشان خواست تا تاریخی برای مردم وضع کنند. در این مجال هر زمان پیشنهاد داد از روش ایرانیان استفاده شود که بر اساس جلوس پادشاهان بر تخت، مبدأ تاریخ را مشخص می‌کنند. اما جمع حاضر، کراهت خود را نسبت به آن اعلام داشتند. پیشنهاد دوم از سوی برخی از مسلمان شده‌های یهودی مطرح شد، مبنی بر این‌که از تاریخ روم استفاده کنیم که از زمان اسکندر آغاز شده است، اما این نیز نظر صحابه را جلب نکرد. عده‌ای میلاد حضرت رسول (ص) و برخی مبعث ایشان را پیشنهاد دادند. نظر نهایی برای حضرت

علی(ع) بود که خوشایند خلیفه و سایر صحابه قرار گرفت. ایشان فرمودند تاریخ را از هجرت پیامبر(ص) به مدینه آغاز کنیم، زیرا زمان آن بر همگان آشکار است، برخلاف میلاد و مبعث ایشان که مورد اختلاف است. آن‌گاه خلیفه دوم، هجرت حضرت رسول(ص) را به عنوان مبدأ تاریخ تصویب کرد(ابن کثیر، ۱۴۳۱ق، ۱۸۲/۷).

در گزارش دیگری ادامه ماجرا چنین نقل شده است: پس از توافق در این مسئله، سوال شد که با کدامین ماه آغاز کنیم؟ عبدالرحمان بن عوف، ماه رجب را مطرح کرد که اولین ماه از ماه‌های حرام است اما حضرت علی(ع) ماه محرم را پیشنهاد کردند، چرا که محرم، اولین ماه سال و یکی از ماه‌های حرام است. آن‌گاه خلیفه دوم دستور داد پیشنهاد حضرت علی(ع) اجرا شود و این امر در سایر بلاد اسلامی منتشر شد(سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۳).

#### ۱-۱- نقد و بررسی دیدگاه اول

این گزارش‌ها خلاصه‌ای از دیدگاه و مستندات نظریه نخست بود؛ اما این نظریه از جهات متعددی دارای اشکال است که به دو نمونه اشاره می‌شود.

##### ۱-۱-۱- اشکال اول

در مقابل روایات مذکور، روایات متناقضی وجود دارد که تردید در اصل وقوع چنین ماجرای را در پی دارد. این گزارشات در دو مورد با هم اختلاف دارند.

##### ۱-۱-۱-۱- اختلاف در چرایی اقدام خلیفه

علت اقدام خلیفه دوم برای تأسیس تاریخ به صورت‌های مختلفی نقل شده است. به عنوان مثال گزارش شده است که خلیفه دوم برای جمع آوری خراج، مقرراتی را وضع کرده بود و نامه‌هایی برای بلاد فرستاده بود. ابوموسی اشعری در نامه‌ای به وی انتقاد خود را نسبت به عدم درج تاریخ در نامه‌هایی که از جانب خلیفه می‌رسد، ابراز داشت. بنابراین خلیفه به تاریخ نیازمند شد، اما علاقه‌ای به تاریخ‌های قبلی نداشت، از این رو صحابه را برای حل این مشکل جمع کرد(بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۳۶). در روایت دیگری آمده است: آن زمان که یعلی بن امیه در یمن به سر می‌برد، نوشتاری به خلیفه دوم ارسال کرد که در آن تاریخ درج شده بود، خلیفه آن را پسندید و تاریخ پی نهاده شد(سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۱).

##### ۱-۱-۱-۲- اختلاف در سال تأسیس تاریخ

روایات مورد استناد صاحبان این نظریه، در سال تأسیس تاریخ نیز اختلاف داشته و این اقدام خلیفه را در یکی از سال‌های شانزدهم، هفدهم و هجدهم گزارش کرده‌اند(سیوطی، ۱۴۳۰ق، ۹۴). علاوه بر این، گزارشاتی وجود دارد که واضع تاریخ هجری را پیامبر اسلام(ص) و ماه آغازین سال

را ماه ربیع الاول می دانند (سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۳۹). سخاوی نیز، این مسأله را اختلافی می‌داند (سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۳۸).

#### ۱-۱-۲ - اشکال دوم

این‌که مسلمانان تا سال شانزدهم، با چنین مشکلی برخورد نکرده و ضرورت درج تاریخ را حس نکرده باشند، ناممکن است (ر.ک: سپهری، ۱۳۸۸ش، ۲۲)، چرا که در طی این ۱۶ سال، نظام اسلامی با همه مناسبات اجتماعی، اعم از پیمان نامه‌ها، جمع آوری زکات، تجارت‌ها، نامه‌ها و سایر شئون یک حکومت، استقرار یافته بود و از لوازم بین این امور، ضرورت درج تاریخ در آن‌ها است که به صرف تصور ملزوم، لازم نیز به ذهن می‌آید. بنابراین در حالی که رسول خدا (ص)، امیرمؤمنان علی (ع) و شخصیت‌های بزرگ دیگری در میان ایشان حضور داشتند، امکان ندارد که تا سال شانزدهم این نکته به ذهن ایشان خطور نکرده باشد. همچنین عدم طرح آن در دوره خلیفه اول نیز قابل پذیرش نیست، زیرا اولاً همان دلایل ادعایی که باعث شد خلیفه دوم به سمت تاریخ نگاری برود، در زمان او نیز وجود داشته است و ثانیاً در گزارشات تاریخی، اسنادی وجود دارد که دلالت بر تاریخ نگاری در زمان خلافت ابی بکر می‌کند (ابن سلّام، ۱۴۰۵ق، ۲۶۶).

بر فرض صحت گزارش مشهور، ممکن است آن واقعه، شیطنتی برای کنار گذاشتن تاریخ هجری بوده تا باعث کم‌رنگ شدن نام دین در مسائل اجتماعی و سیاسی حکومت شود، اما امیرمؤمنان علی (ع) با دلایل متقن و منطقی در مقابل این طرح ایستادند (ابن کثیر، ۱۴۳۱ق، ۷/ ۱۸۲). همانند آنچه که در ایران در دوران رژیم پهلوی با این انگیزه انجام شد (مکی، ۱۳۶۲ش، ۶/ ۲۸۵؛ طهرانی، ۱۴۲۶ق، ۹۴).

#### ۲- نبی اکرم (ص) پایه گذار تاریخ هجری و ربیع الاول، اولین ماه سال قمری

دیدگاه دوم متعلق به سید جعفر مرتضی عاملی است که از دو بخش تشکیل یافته است:

#### ۲-۱- بخش اول

عاملی، واضع تاریخ هجری را شخص پیامبر اسلام (ص) می‌داند. طبق این دیدگاه لازمه تشکیل حکومت و رسیدن به اهداف مرسوم آن، ثبت حوادث، معاملات و سایر شئون اجتماعی است، مخصوصاً حکومتی که اراده‌اش بر آن تعلق گرفته که برنامه زندگی انسان‌ها را تا قیامت ارائه کند. بنابراین بدیهی است که یکی از اولین اموری که نبی اکرم (ص) به آن مبادرت کردند، وضع تاریخ است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴/ ۱۷۴). علاوه بر این، دلایل دیگری در گزارشات تاریخی موجود است که اثبات می‌کنند پیامبر اسلام (ص) واضع تاریخ هجری است (سخاوی، ۱۴۱۰ق، ۱۳۹). یکی از آن‌ها نامه‌های تاریخ‌دار پیامبر اسلام (ص) است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) نبی مکرم اسلام(ص) وصیتی به درخواست سلمان فارسی انشاء فرمودند که در آن چنین آمده است: «و کتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بِأَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فِي رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ مِنَ الْهِجْرَةِ» (اصفهانى، ۱۹۳۴م، ۵۳/۱).

ب) در پایان متن پیمان نامه پیامبر(ص) با یهودیان مقنا این چنین نوشته شده است: «و لَيْسَ عَلَيْكُمْ أَمِيرٌ إِلَّا مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي سَنَةِ تِسْعٍ» (بلاذرى، ۱۹۸۸م، ۷۱).

در اینکه چرا واژه «ابو» در اینجا در حالی که مضاف الیه است، به صورت مرفوع آمده است، دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند این رویه در قریش متداول بوده است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۹ش، ۶۷۱/۱). اما صاحب مکاتیب الرسول این مطلب را نمی‌پذیرد و آن را اشتباه حاصل از شکل خط کوفی می‌داند که خوانندگان آن در هنگام قرائت و سپس استنساخ دچار اشتباه شده‌اند (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ۱۰۹/۳).

ج) در پایان متن صلح نامه پیامبر(ص) برای اهالی نجران آمده است: «و أَمَرَ عَلِيًّا أَنْ يَكْتُبَ فِيهِ أَنَّهُ كَتَبَ لِيْخْمَسَ مِنَ الْهِجْرَةِ» (سیوطی، ۱۴۳۰ق، ۹۴).

## ۲-۲- بخش دوم

صاحب این دیدگاه معتقد است اولین ماه سال، ماه ربیع الاول می‌باشد و آنچه که در زمان خلیفه دوم رخ داده صرفاً تغییر نخستین ماه سال به محرم است و این که علی(ع) ماه محرم را پیشنهاد دادند خلاف واقع است، بلکه ایشان اصرار بر ماه ربیع الاول داشتند. ایشان برای اثبات این سخن، دو دلیل بیان می‌کند.

### دلیل اول

الف) براساس گزارشات تاریخی، حضرت علی(ع) در جمع صحابه پیشنهاد کردند که تاریخ را از روز هجرت پیامبر(ص) یا روز ترک سرزمین شرک قرار دهند. از طرفی، هجرت رسول خدا(ص) در ماه ربیع الاول بود. بنابراین پیشنهاد علی(ع)، ماه ربیع الاول بوده است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۱۸۰/۴).

### دلیل دوم

ب) در عهد نامه مردم نجران که علی(ع) نوشت این چنین آمده است: «و كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي رَافِعٍ لِعَشْرِ خَلْوَنٍ مِنَ جَمَادَى الْآخِرَةِ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ مُنْذُ وُلِّجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَدِينَةَ» این عهدنامه را عبد الله بن ابی رافع در روز دهم جمادی الثانی سال سی و هفتم از ورود رسول

خدا(ص) به مدینه، نوشت. چنان که روشن است رسول خدا(ص) در ماه ربیع الاول وارد مدینه شد(عاملی، ۱۴۱۹ق، ۱۸۰/۴).

### ۲-۳- نقد و بررسی دیدگاه دوم

بخش نخست کلام ایشان صحیح است و دلایل متعددی دلالت دارند بر آن که تاریخ هجری توسط نبی اکرم(ص) پی‌نهاده شد و نمی‌توان خدشه‌ای به آن‌ها وارد کرد. علامه مجلسی نیز بر همین عقیده بوده و برای اثبات آن به روایتی که در صحیفه سجادیه آمده، استناد کرده و می‌فرماید: من خبری یافتم که کمتر هوشمندی به آن متوجه شده‌است. این خبر دلالت دارد که مبدأ بودن هجرت برای تاریخ اسلام، از جبرئیل(ع) گرفته شده‌است. بنابراین، مستند آن، وحی الهی و خبر نبوی است و مؤید آن است که علی(ع) هنگام تحیر خلیفه دوم و صحابه به آن اشاره فرمود(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۵۰/۵۵). این حدیث حکایت از آن دارد که نبی اکرم(ص) در خواب، مردانی همچون بوزینه می‌بیند که بر منبر ایشان می‌جهند و امت اسلام را به سوی قهقرا سوق می‌دهند. در اثر این خواب، اندوه در چهره حضرت، نمایان شد، پس جبرئیل(ع) رویای رسول خدا(ص) را به سلطنت بنی‌امیه تفسیر کردند. حضرت، درباره زمان این واقعه سوال می‌پرسند و جناب جبرئیل(ع) پاسخ می‌دهند که آسیای اسلام تا ده سال پس از هجرت و نیز از سال ۳۵ پس از هجرت، به مدت پنج سال، خواهد چرخید، اما پس از آن، پادشاهی فراعنه آغاز خواهد شد(امام چهارم(ع)، ۱۳۷۶ش، ۱۸).

اما دلایلی که در بخش دوم این دیدگاه بیان شد، قابل خدشه است، زیرا اولاً همان‌طور که از تعریف بیرونی از تاریخ نیز به دست می‌آید، مردم، سالی را که در آن اتفاق مهمی رخ داده به عنوان مبدأ قرار می‌دهند، نه روز یا ماه وقوع آن را. به عنوان مثال ایرانیان با جلوس هر پادشاهی مبدأ سال را تغییر می‌دادند، اما همیشه اول بهار اول سال ایشان بوده است. بنابراین این که حضرت علی(ع) هجرت را مبدأ تاریخ معرفی کرده‌اند، دلیل نمی‌شود که همان روز را به عنوان مبدأ انتخاب کرده باشند، بلکه ممکن است آن سالی که هجرت در آن واقع شده را سال مبدأ قرار دادند(ر.ک: سپهری، ۱۳۸۸ش، ۲۷) و ثانیاً همان‌طور که اشاره شد، در گزارشات تاریخی، تناقض‌ها و اختلافات فراوانی دیده می‌شود، علاوه بر این که در غالب آن‌ها تصریح شده که امیرمومنان علی(ع) ماه محرم را از آن جهت که اولین ماه سال قمری است به عنوان اولین ماه پیشنهاد داده‌اند. صاحب این نظریه، هیچ دلیلی بر ارجحیت سندی گزارشات مورد استناد خود ارائه نمی‌دهد، بلکه با استناد به کلام برخی از صحابه که مشتمل بر تاریخ‌نگاری پیامبر(ص) از بدو ورود به مدینه است، بر نظریه خود تاکید

می‌ورزد. در واقع ایشان با پیش فرض قرار دادن فرضیه خود، این گزارشات را مصادره به مطلوب می‌کند.

### ۳- ماه رمضان، نخستین ماه سال قمری

روایاتی وجود دارد که ماه مبارک رمضان را اولین ماه سال معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۳/۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱/۱۴). به عنوان نمونه، در برخی از این روایات آمده است که امیرمؤمنان (ع) در یکی از خطبه‌های خود، ماه رمضان را سرور ماه‌ها و اول سال نامیده و می‌فرماید: «أَتَاكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ وَهُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ وَ أَوَّلُ السَّنَةِ...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱/۱۴)

اما از آن‌جا که در مقابل این روایات، روایات دیگری، ماه محرم را نخستین ماه دانسته‌اند (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ۴۳/۳)، اندیشمندان اسلامی در صدد جمع بین آن‌ها برآمده‌اند. به عنوان نمونه، علامه مجلسی سعی کرده چنین نشان دهد که بحث تقویم هجری قمری از قضایای اعتباری است و با تفاوت اعتبارها و ملاحظات، تفاوت پیدا می‌کند. ایشان با استناد به احادیثی که ماه رمضان را «عُرَّة» سال دانسته‌اند، بیان می‌دارد که می‌توان اول سال شرعی را ماه رمضان، اول سال عرفی را ماه محرم، اول سال تقدیرات را شب قدر و اول سال جواز خوردن و آشامیدن را ماه شوال در نظر گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۷۶/۵۵). سیدبن طاووس نیز معتقد است که آن دسته از روایات و ادعیه که ماه رمضان را ماه نخست دانسته‌اند، مراد از آن‌ها، اولویت از جهت شرافت و برتری بر سایر اوقات عبادات است (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ۴۳/۳).

### ۴- نبی اکرم (ص) پایه گذار تاریخ هجری و محرم اولین ماه سال قمری

دیدگاه چهارم، همانند دیدگاه دوم، رسول خدا (ص) را پایه‌گذار تاریخ هجری می‌داند. اما براساس این دیدگاه، محرم اولین ماه سال قمری است و به دستور نبی مکرم (ص) جابه‌جایی آن، خلاف قوانین اسلام می‌باشد.

#### ۴-۱- مقدمه

بهرتر است در ابتدا چیمستی ماه قمری و جایگاه آن در تقویم سالانه با پرداختن به نحوه پیدایش آن و نیز بحث نسیء و کیسه‌گیری بررسی شده، سپس دلایل این دیدگاه بیان شود.

#### ۴-۱-۱- پیدایش ماه قمری

فیلسوفان تعریف‌های گوناگونی از زمان ارائه کرده‌اند. به عنوان نمونه گفته‌اند: زمان عبارت است از نوعی مقدار و کمیت متصل که قابل اندازه‌گیری است (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۲۶۹). برخی ملت‌ها خورشید، برخی دیگر ماه (بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۱۴) و برخی نیز هر دو را معیار اندازه‌گیری زمان قرار داده‌اند (بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۱۵). اگر در ساعت مشخصی، خورشید در یک نقطه از آسمان



رصد و حرکت آن دنبال شود، بعد از گذشت حدود ۳۶۵ روز، به همان نقطه آغازین خواهد رسید. در این مدت اگر آسمان شب نیز نظاره شود، دوازده نوبت هلال ماه دیده می‌شود، که فاصله هر رؤیت، حدود سی روز خواهد بود. بنابراین، معیار اندازه‌گیری سال و ماه، امور تکوینی و واقعی‌اند، نه صرفاً اموری اعتباری. البته با این توضیح که در گاه‌شماری شمسی، سال، تکوینی و ماه، اعتباری است و در گاه‌شماری قمری، ماه، تکوینی و سال، اعتباری است. خدای متعال در آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (توبه، ۳۶) نیز دوازده ماه بودن سال را یک واقعیت تکوینی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۲۶۸/۹). البته این که هر دوازده ماه قمری، یک سال به حساب آید، قانونی الهی است؛ اما به منزله این نیست که تکوینی است؛ زیرا هیچ اشکالی ندارد که قانونی تشریحی باشد؛ مهم اثبات انطباق آن با تکوین است. آنچه تکوینی است، این است که ماه در هر بیست و نه یا سی روز، یک بار به دور زمین می‌گردد. اما اینکه دوازده گردش ماه به دور زمین، به عنوان سال قرار داده شود، اعتباری است.

اما درباره چگونگی دستیابی انسان به اندازه‌گیری آن، دو دیدگاه وجود دارد که دومی درست‌تر به نظر می‌رسد. بنابر دیدگاه اول، انسان ابتدا با توجه به تغییرات آب و هوایی و رصد خورشید و ماه، متوجه این امور شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۴۳/۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۲۶۶/۹). اما دیدگاه دوم، این شیوه از سنجش زمان را به وحی الهی و انبیاء نسبت داده و ایشان را معلم انسان می‌داند. زیرا اولاً براساس احادیث، انبیاء الهی پایه‌گذار علم نجوم بوده‌اند (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ق، ۲ و ۲۳)، ثانیاً خدای سبحان در آیه ۳۶ سوره توبه این امر را به خود نسبت می‌دهد. نکته دیگر این که ماه‌های شمسی برخلاف ماه‌های قمری، دارای اصل ثابت و تکوینی نیستند، بلکه صرفاً امری اعتباری و از قراردادهای بشری‌اند که در قیاس با ماه‌های قمری به وجود آمده‌اند (بیرونی، ۱۳۸۰، ش، ۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۲۶۸/۹). غالب ملت‌ها از گذشته‌ها مانند آنچه که امروزه جریان دارد سال و ماه خود را براساس حرکت خورشید و بروجی که طی این حرکت از آن‌ها می‌گذرد، تعیین می‌کنند، برخلاف یهود که سال‌های خود را براساس حرکت خورشید و ماه‌ها را براساس حرکت کره ماه، مشخص می‌کنند (بیرونی، ۱۳۸۰، ش، ۱۵). اما اقوام عرب، قرن‌ها پیش از اسلام فقط حرکت ماه را معیار تعیین سال و ماه خود قرار می‌دادند (فخررازی، ۱۴۲۰، ق، ۱۴۰/۱۶). ممکن است علت این انحصار، آسان بودن رصد ماه باشد، زیرا بسیاری از ایشان، افرادی امّی و بی‌سواد بودند و رصد ماه نیاز به علم و تخصص خاصی ندارد، برخلاف رصد خورشید که برای تعیین ورود و خروج آن از بروج، باید به متخصصان علم هیئت مراجعه کرد. اما به نظر می‌رسد علت اصلی آن، پیروی اقوام عرب از آئین ابراهیمی باشد. شاهد احتمال دوم آن است که ایشان احترام ماه‌های حرام را که از

خصوصیات سال قمری بوده و از زمان حضرت ابراهیم(ع) تشریح شده(مکارم و همکاران، ۱۳۷۴ش، ۴۰۶/۷) حفظ کرده و به آن اعتقاد داشتند(طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۳/۵) و نیز اعمال حج را براساس همان آئین در ماه ذی الحججه انجام می دادند(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۴۵/۵۵). بنابراین، ایشان خواسته یا ناخواسته، به پیروی از انبیاء الهی، معیار سال و ماه خود را آن چیزی قرار دادند که اصیل ترین و قدیمی ترین تاریخ بشر براساس آن پایه ریزی شده و خداوند آن را اراده فرموده است، زیرا در آیه: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (توبه، ۳۶) به قرینه «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» مراد از «الشُّهُورِ» ماه های قمری است(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۶۸/۹) که خداوند اولاً آن را معتبر شمرده و به خود نسبت می دهد و ثانیاً آغاز آن را هم زمان با پیدایش آسمان ها و زمین می داند و از آن جا که اولین انسانی که در زمین پا نهاده، یکی از انبیاء الهی و متصل به وحی بوده است، بنابراین تاریخ قمری، قدیمی ترین و اصیل ترین تاریخ بشریت بوده و دارای منشأ ثابت و واقعی می باشد.

#### ۴-۱-۲- کیسه گیری

حدود دویست سال قبل از ظهور اسلام، اقوام عرب تصمیم گرفتند که به تقلید از یهود، سال های خود را براساس حرکت خورشید اندازه گیری کرده و کیسه گیری کنند و نام این کار را «نسیء» نهادند(بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۷۱). کلمه «نسیء» بر وزن «فَعِيل» بوده(ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۵۵۱/۸) و به معنای تأخیر انداختن چیزی از وقت خاص خود است(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۰۶/۷). برخی از اندیش مندان، دو علت برای این تصمیم عنوان کرده اند(طهرانی، ۱۴۲۶ق، ۷۲) که به اختصار، بیان می شوند.

#### ۴-۱-۲-۱- علت اول

بر مبنای سال قمری، طی چند سال، ماه ها در فصول مختلف جابه جا می شوند، زیرا فصل ها تابع حرکت خورشید هستند و سال قمری، مقداری کمتر از سال شمسی است، به همین سبب، ماه های قمری در فصل های مختلف جا به جا می شوند. بنابراین در بعضی از سال ها ماه ذی الحججه در تابستان واقع می شد و مردم برای انجام حج، دچار سختی و زحمت فراوان می شدند. و نیز چون در موسم حج، تجارت می کردند و در امر تجارت، خلل پدید می آمد، برای رفع این دو محذور، به تقلید از یهود، سال خود را براساس تقویم شمسی و ماه ها را براساس تقویم قمری، محاسبه کردند، تا ماه های قمری همچون ماه های شمسی در فصول مختلف جابه جا نشوند(فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۴۵/۱۶). البته با این عمل اشکالی در تقویم ایجاد می شد و آن این که دوازده ماه قمری به پایان می رسید ولی هنوز حدود ده روز تا پایان سال شمسی باقی می ماند، زیرا سال قمری حدود ده روز

کم‌تر از سال شمسی است. برای حل این مشکل به کیسه‌گیری روی آورده و هر سه سال که جمع روزهای اضافه به سی روز و معادل یک ماه کامل می‌رسید، سال را سیزده ماه قرار می‌دادند، به این شکل که در اولین کیسه‌گیری، ماه صفر را دوباره محرم و ماه بعدی را صفر نامیدند و بعد از سه سال برای دومین کیسه‌گیری، ماه ربیع الاول را صفر نامیدند و به همین ترتیب عمل نسیء را در تمام ماه‌ها ادامه می‌دادند تا بار دیگر به ماه محرم برگردد و همان کار اول را دوباره تکرار می‌کردند (بیرونی، ۱۳۸۰ ش، ۷۱).

#### ۴-۱-۲-۲- علت دوم

اقوام عرب، ماه‌های چهارگانه را که جنگ و خونریزی در آن‌ها حرام است، محترم می‌شمردند، ولی چون اهل غارت و جنگ بودند بر آن‌ها سخت بود که سه ماه متوالی صبر کرده و جنگی نکنند، بنابراین مثلاً ماه محرم را به عقب می‌انداختند و حرمت آن را به تأخیر می‌سپردند و آن را ماه صفر می‌نامیدند و در آن به جنگ و قتال مشغول می‌شدند و برای حفظ احترام ماه‌های حرام، به مقدار چهار ماه در سال، دست از جنگ باز می‌داشتند (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ۴۵/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴۵/۵). به این ترتیب ماه‌های قمری از مواضع اصلی خود تغییر کردند.

#### ۴-۱-۳- حرمت نسیء

قرآن کریم در آیه ۲۱۷ سوره بقره، رسم عرب را در حفظ حرمت ماه‌های رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم، امضاء فرموده و جنگ و قتال در این ماه‌ها را حرام دانسته است (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ۱۱۱/۲) اما عمل نسیء و کیسه‌گیری را حرام نموده و آن را زیادی در کفر دانسته است «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا» (توبه/۹). سال دهم هجرت، نبی اکرم (ص) برای انجام مراسم حج، رهسپار مکه شدند که به حجّه الوداع شهرت یافت (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۶۰/۸). در این سال، ماه ذوالحجه بعد از سال‌ها چرخش، به موضع اصلی خود رسیده و حج بر موقع و محل خود قرار گرفته بود (بیرونی، ۱۳۸۰ ش، ۷۱). در این سفر، ایشان خطبه‌هایی ایراد کردند، از جمله در سرزمین عرفات در مسجد الخیف واقع در منا که در روز عید قربان ایراد شد. در یکی از فرازها، ضمن بیان این‌که در این سال، زمان در گردش خود به همان کیفیتی بازگشته که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید، با استشهاد به آیه قرآن، نسیء را موجب زیادی کفر دانسته و فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الزَّمَانَ قَدْ اسْتَدَارَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حَرَمٌ ثَلَاثٌ مُتَوَالِيَاتٍ رَجَبٌ مُضَرٌّ حَرَامٌ، أَلَا وَ إِنَّ النَّسِيءَ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲۳۷/۳). بر این اساس، سال قمری باید ملاک انجام اعمال عبادی شود که دوازده ماه است و چهار ماه از آن، ماه‌های حرام شمرده می‌شود و به عقب انداختن حج و سایر تکالیف، حرام است.

#### ۴-۱-۴- علت حرمت نسیء

احکام و قوانین شرعی، از مصالح و مفساد واقعی تبعیت می‌کنند (نائینی، ۱۳۵۲ش، ۴۰۹/۱). بدین معنا که پیش از آن که حکمی شرعی، اعم از وضعی و تکلیفی، عبادی و غیر عبادی، واقعی و ظاهری، به متعلق حکم تعلق بگیرد، مصلحت یا مفسده‌ای واقعی در متعلق بوده‌است که این حکم را برای این متعلق، ایجاب نموده‌است. یکی از مواردی که تاثیر در ایجاد مصلحت یا مفسده دارد، مسأله زمان می‌باشد، بدین معنا که انجام عبادتی، تنها در وقتی معین دارای مصلحت است (علم الهدی، ۱۳۷۶ش، ۱۱۷/۱). این امکان وجود دارد که علت حرمت نسیء را در ارتباط واقعی احکام با زمان‌ها و ایام جستجو کرد. زیرا هر روزی دارای حقیقتی است که حکمت و فلسفه اعمال عبادی زمان‌دار به آن‌ها مربوط می‌شوند. مثلاً شب قدر یک امر اعتباری نیست بلکه ماورای خود دارای حقیقتی است که مخصوص همان شب است. نزول ملائکه در شب قدر که در سوره قدر به آن اشاره شده، وابسته به اعتبار انسان‌ها نیست تا آن‌ها با تصرف در ماه‌ها آن شب را مشخص کنند، بلکه شبی خاص در عالم وجود است. این مطلب به قدری در بین اندیشمندان اسلامی مسلم و بدیهی است که برخی از عالمان اسلامی در این باره می‌نویسند: بدون تردید بر پایه روایات، هر روزی از روزهای هفته و هر ماهی از ماه‌های سال، زمان‌هایی معین، دارای واقعیت و نفس‌الامری هستند، مثل روایاتی که دلالت بر فضیلت روز جمعه دارند و نیز آنچه که در خصوص روز غدیر و سایر اعیاد و فضیلت ماه رمضان وارد شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۲۶۶/۱۳). به عقیده علامه مجلسی نیز از روایات به دست می‌آید که اول هفته و اول سال به تقدیر خداوند بوده و از امور بشری نیستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۱۹/۵۴). اما نسیء، باعث جابه‌جایی ماه‌ها شده و لحاظ آن در تقویم، انجام اعمال عبادی زمان‌دار را در زمان مخصوص خود، ناممکن می‌کند. شاهد این مطلب، روایاتی است که در مجموعه‌های روایی با عنوان «باب حج النبیه» در خصوص تعداد و کیفیت حج پیامبر اسلام (ص) وارد شده‌است. براساس این روایات، نبی مکرم (ص) پیش از هجرت، اعمال حج را مخفیانه به‌جا می‌آوردند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۸/۸). پس از بعثت نیز ایشان تنها یک بار و در ماه ذی‌الحجه به حج رفته‌اند که موسوم به حجۃ الوداع است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۶۰/۸). ایشان در ذی‌القعده سال نهم هجری که شرایط برای انجام حج فراهم بود، ابوبکر را به مکه اعزام فرموده و خود از انجام آن خودداری نمودند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۷۳/۲-۷۴). اندیش‌مندان اسلامی، علت این مطلب را نسیء دانسته و گفته‌اند: در آن عصر، مردم غالباً حج را در ماهی غیر از ذی‌الحجه انجام می‌دادند و رسول خدا (ص) از مخالفت علنی با ایشان پرهیز می‌کردند. به همین جهت به صورت مخفیانه و در ماهی که موطن اصلی حج می‌باشد، به انجام این مهم می‌پرداختند (فیض کاشانی،

۱۴۰۶ق، ۱۶۷/۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۰/۱۷). بنابراین، زمان، در احکام و اعمال شرعی، مدخلیت داشته و ترتیب ماه‌ها در تقویم قمری از این جهت حائز اهمیت است.

#### ۴-۲- دلائل دیدگاه چهارم

براساس دلایلی که در دیدگاه دوم بیان شد، نبی اکرم(ص) پایه گذار تاریخ هجری می‌باشند، اما به نظر می‌رسد ایشان نیز همچون اقوام عرب، محرم را اولین ماه سال در نظر گرفته‌اند. در این نوشتار سه دلیل بر این مطلب ارائه می‌شود.

#### ۴-۲-۱- دلیل اول

دلیل اول، از سه مقدمه و یک نتیجه تشکیل می‌شود. این مقدمات در ضمن مباحث قبلی به اثبات رسیده‌اند.

اول) آنچه از تقویم و تاریخ قبل از نسیء، نزد اقوام عرب بوده، میراثی از آئین حضرت ابراهیم(ع) می‌باشد(طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۳/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۴۵/۵۵؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۴ش، ۴۰۶/۷).

دوم) رسول گرامی اسلام(ص)، در حجۃ الوداع، تقویمی که قبل از عمل نسیء، میان آن مردم رواج داشته را امضاء فرموده و به صورت مطلق بر مردم تکلیف می‌کنند که ملاک محاسبه زمان را همان ملاکی قرار دهند که قبل از نسیء، طبق آن عمل می‌کردند(طهرانی، ۱۴۲۶ق، ۸). هم‌چنین این تقویم را همان تقویم آغاز خلقت دانسته‌اند که در آیه ۳۶ سوره توبه، به خداوند نسبت داده شده‌است.

سوم) اقوام عرب، پیش از نسیء، محرم را اولین ماه سال می‌دانستند(ر.ک: بیرونی، ۱۳۸۰ش، ۳۲۲؛ عاملی، ۱۴۱۹ش، ۱۸۰/۴) و ترتیب ماه‌های سال نزد ایشان همان چیزی است که امروزه تقویم قمری براساس آن محاسبه شده‌است، یعنی بین تقویم حاضر و تقویم ایشان قبل از نسیء، این‌همانی وجود دارد.

نتیجه) ترتیب ماه‌ها نزد اقوام عرب، نه تنها مستند به آئین انبیاء الهی بوده، بلکه با توجه به اطلاق کلام پیامبر اسلام(ص)، شریعت اسلام نیز آن را امضاء نموده و احکام را براساس آن تشریح کرده است و از آن‌جا که ماه محرم در تقویم ایشان، اولین ماه سال بوده، پس نبی اکرم(ص) نیز آن را اولین ماه سال قرار داده‌اند.

#### ۴-۲-۲- دلیل دوم

قاعده لطف اقتضاء می‌کند تقویم حاضر، همان تقویمی باشد که خداوند آن را اراده فرموده است. قاعده لطف یعنی خداوند برای تحصیل غرض خود، باید کاری انجام دهد که مکلف به

واسطه آن، به اطاعت خداوند نزدیک و از معصیت او دور شود (حلی، ۱۴۳۰ق، ۴۴۴)، مانند تشریح تکالیف دینی و فرستادن پیامبران که انسان‌ها از این طریق با تکالیف خود آشنا می‌شوند. بنابراین درحالی‌که بسیاری از اعمال، ادعیه و مناسک برای روزهای خاص تشریح شده‌اند، باید لطف شارع شامل شود تا آن‌ها از مواضع اصلی خود تغییر نکنند، در غیر این صورت نقض غرض خواهد بود، زیرا پیش از این اثبات شد که هر روزی دارای حقیقتی است که حکمت و فلسفه اعمال عبادی زمان‌دار به آن‌ها مربوط می‌شوند، مثلاً خدای متعال ماه رمضان را که زمان خاصی در عالم وجود است، ماه روزه داری قرار داده است، حال اگر جایگاه این ماه تغییر کند و بندگان نسبت به موقف اصلی آن جاهل باشند، خلاف قاعده لطف و خلاف غرض او خواهد بود. بنابراین، از آنجایی که تقویم حاضر، تقویمی منتسب به حکمت خداوند است، ترتیب آن نیز براساس حکمت بوده و مصالحی در پی دارد و تخلف از آن، جایز نیست.

#### ۴-۲-۳- دلیل سوم

سید بن طاووس (ره) از امام رضا (ع) نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام (ص) در روز اول ماه محرم بعد از به‌جا آوردن دو رکعت نماز، دست به آسمان برداشته و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلَٰهُ الْقَدِيمُ وَ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ...» (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ۴۳/۳) آن‌گاه می‌گوید از مجموع روایات این چنین برداشت می‌شود که محرم اولین ماه سال از جهت تاریخ و تدبیر امور مردم است (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ۴۳/۳).

#### نتیجه

در خصوص اولین ماه سال قمری دو دیدگاه مشهور وجود دارد که یکی ماه محرم و دیگری ماه ربیع الاول را ماه نخست می‌دانند. براساس بررسی و تحقیق انجام شده، هر دو دیدگاه با تمسک به گزارشات تاریخی در پی اثبات عقیده خود هستند. به نظر می‌رسد بحث تاریخی به خاطر گزارشات متناقض و اشکالاتی که در آن‌ها وجود دارد، نمی‌تواند در تعیین اولین ماه قمری مفید یقین و حتی اطمینان باشد. اما تکیه بر آیات قرآن و روایات، نتیجه مطلوب و متقنی را به ثمر می‌نشانند. براساس تحقیق انجام شده، از طرفی، تقویم قمری، منتسب به خداوند و وحی الهی می‌باشد و از طرف دیگر، زمان، در احکام و قوانین شریعت اسلام، مدخلیت داشته و مصالح احکام، وابسته به آن می‌باشد. بر همین اساس، رسول گرامی اسلام (ص)، رسم عرب، مبنی بر کیسه‌گیری و تغییر ماه‌های قمری را حرام دانسته و بر تحفظ بر تقویم حاضر، تأکید فرموده‌اند. برخی دیگر از دلائل، همچون قاعده لطف نیز این مطلب را تأیید می‌کنند.

## منابع

### قرآن کریم.

الف) فارسی و عربی

۱. ابن حانک، حسن بن احمد (۱۴۲۵ق). *الإکلیل من أخبار الیمن و أنساب حمیر*، صنعاء، وزاره الثقافه و السياحه.
۲. ابن سلّام، ابو عبید القاسم (۱۴۰۵ق). *الاموال*، بیروت، دار الفکر.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الاعظم*، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ق)، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم، دارالذخائر.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ش). *اقبال الاعمال*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۳۱ق). *البدایه و النهایه*، ج ۷، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۷. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). *مکاتیب الرسول(ص)*، ج ۳، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث سازمان چاپ و نشر.
۸. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۹۳۴م). *ذکر اخبار اصبهان*، ج ۱، لیدن\_هلند، انتشارات بریل.
۹. بحرانی، یوسف (۱۴۱۵ق). *الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره*، ج ۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸م). *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه هلال.
۱۱. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۸۰ش). *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۲. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۶ق). *رساله نوین درباره بناء اسلام بر سال و ماه قمری*، مشهد، علامه طباطبائی.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۰ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم.
۱۴. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، ج ۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۹ش). *سید المرسلین(ص)*، ج ۱، تعریب: جعفر هادی، قم، موسسه امام صادق(ع).

۱۶. سپهری، محمد (۱۳۸۸ش)، «تأسیس تاریخ هجری»، *فروغ وحدت*، سال ۵، شماره ۱۹، ص ۳۰-۱۷.
۱۷. سخاوی، محمد بن عبد الرحمن (۱۴۱۰ق). *الإعلان بالتویخ لمن ذمّ التاريخ*، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۱۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۳، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۳۰ق)، *الشماریخ فی علم التاريخ*، قاهره، محقق: زنانی، صقر، دار الآفاق العربیة.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۲ق)، *نهایة الحکمة*، قم، نشر اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۹ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم(ص)*، ج ۴، بیروت، دار السیره.
۲۵. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۷۶ش)، *الذریعة إلى أصول الشریعة*، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۲۶. علی ابن الحسین، امام چهارم(ع) (۱۳۷۶ش). *صحیفه سجادیه*، قم، دفتر نشر الهادی.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیة.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، ج ۷، قم، نشر هجرت.
۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهانف کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع).
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم، دارالحديث.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار(ع)*، ج ۵۴ و ۵۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول(ص)*، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.



۳۳. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۱، قم، کنگره شیخ مفید.

۳۴. مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۴ق). *تفسیر نمونه*، ج ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. مکی، حسین (۱۳۶۲ش)، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۶، تهران، نشر ناشر.

۳۶. نائینی، محمد حسین (۱۳۵۲ش)، *أجود التقریرات*، ج ۱، تقریر: ابوالقاسم خویی، قم، مطبعة العرفان.

ب) لاتین

37. Bonner, Michael (2011), "Time Has Come Full Circle": Markets, Fairs and The Calendar in Arabia Before Islam". *The Islamic Scholarly Tradition*, v:83, P:13- 48.